



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

راه راستان

زندگانی چہارده معصوم علیہم السلام
امام سجاد علیہ السلام

عباس زریاب
مشایخ فریدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راه راستان: زندگانی چهارده معصوم علیه السلام قسمت مربوط به امام سجاد علیه السلام

نویسنده:

دایره المعارف تشیع

ناشر چاپی:

شهید سعید محبی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- فهرست ۵
- راه راستان: زندگانی چهارده معصوم علیه‌السلام قسمت مربوط به امام سجاد علیه‌السلام ۶
- مشخصات کتاب ۶
- امام زین‌العابدین علیه‌السلام ۶
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۹

راه استان: زندگانی چهارده معصوم علیه السلام قسمت مربوط به امام سجاد علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: راه استان: زندگانی چهارده معصوم علیه السلام / مولف دایره‌المعارف تشیع

مشخصات نشر: تهران: شهید سعید مجیدی، ۱۳۷۶.

مشخصات ظاهری: ص ۳۸۱

شابک: ۹۶۴-۹۰۶۱۱-۹۱۴۰۰۰-۶ ریال؛ ۹۶۴-۹۰۶۱۱-۹۱۴۰۰۰-۶ ریال؛ ۹۶۴-۹۰۶۱۱-۹۱۴۰۰۰-۶ ریال؛ ۹۶۴-۹۰۶۱۱-۹۱۴۰۰۰-۶ ریال

۹۱۴۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست‌نویسی قبلی

یادداشت: چاپ دوم: ۱۸۰۰۰: ۱۳۸۱ ریال

عنوان دیگر: زندگانی چهارده معصوم علیه السلام

موضوع: چهارده معصوم -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: دایره‌المعارف تشیع

رده بندی کنگره: ۲۲/BP۳۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۰۹-۷۶

امام زین العابدین علیه السلام

امام زین العابدین (ع)، ابومحمد علی بن حسین (ع)، امام چهارم از ائمه‌ی اثنی عشر (ع) و ششمین معصوم از چهارده معصوم (ع). معروفترین القاب آن حضرت، زین العابدین و سیدالساجدین و سجاد و ذوالثنات است. تولد آن حضرت را به اختلاف در سالهای ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ نوشته‌اند و در روز ولادت آن حضرت نیز میان روزهای شعبان و جمادی‌الاولی و جمادی‌الآخری اختلاف است. درباره‌ی نام مادر آن حضرت و اصل او نیز اختلاف زیادی است. گروهی نام او را شاهزنان و شاهجهان و شهربانو و شهربانویه گفته‌اند و بنا به گفته‌ی این گروه او دختر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی بوده است. ابوالاسود دثلی، شاعر اهل بیت در قصیده‌ی تهنیت ولادت آن حضرت به این نسب اشاره کرده است: و ان غلاما بین کسری و هاشم لاکرم من نیطت علیه التمام یعنی: همانا پسری که از بین کسری و هاشم برخاسته بهترین کودکی است که مهره‌های نظرند بر گردنش آویخته‌اند. بعضی گفته‌اند نام مادر آن حضرت بره دختر نوشجان بوده است و بعضی دیگر نام او را غزاله و سلافه و خوله گفته‌اند. [صفحه ۲۸۰] ابن‌قتیبه در معارف گوید: «می‌گویند مادر علی بن الحسین الاصغر از اهل سند بود که به او سلافه یا غزاله می‌گفتند». بنابر روایتی که در عیون اخبار الرضا آمده است عبدالله بن عامر بن کریر در زمان عثمان پس از فتح خراسان دو دختر یزدگرد سوم پادشاه ساسانی را اسیر کرد و هر دو را به مدینه فرستاد و عثمان یکی را به امام حسن و دیگری را به امام حسین بخشید و هر دو به هنگام زایمان از دنیا رفتند. ابن‌خلکان از ربیع‌الابرار زمخشری نقل می‌کند که سه دختر یزدگرد را در زمان عمر به مدینه آوردند و حضرت علی (ع) آنها را پس از پرداخت قیمت آنان، یکی را به عبدالله بن عمر و دیگری را به محمد بن ابی‌بکر و سویم را به پسر خود حسین ابن علی (ع) داد. عبدالله بن عمر از دختر یزدگرد سالم را پیدا کرد و محمد بن ابی‌بکر از دختر دیگر قاسم و حسین بن علی از دختر سوم علی بن الحسین را. تحقیق و ترجیح میان این همه روایات مختلف مشکل است، اما قطع نظر از جزئیات، نمی‌توان خبر عیون

اخبار الرضا را چنانکه علامه مجلسی هم در بحارالانوار گفته است ترجیح داد، زیرا استیصال و قتل یزدگرد در زمان خلافت عثمان بوده است نه عمر و اگر گفته شود که ممکن است اسارت دختر یا دختران یزدگرد پس از جنگ قادسیه یا نهبوند در زمان عمر صورت گرفته است باز میان تولد امام زین‌العابدین (در سال ۳۶ یا ۳۷ یا ۳۸) و واقعه‌ی قادسیه یا نهبوند بیش از بیست سال فاصله می‌افتد، یعنی در این مدت طولانی فرزندی برای امام حسین از دختر یزدگرد به دنیا نیامده است (همین معنی در صورت صحت روایت با در نظر گرفتن سن و سال وفات برای سالم بن عبدالله و قاسم بن محمد ابی‌بکر نیز صدق می‌کند) که بعید به نظر می‌رسد. اگر دیرترین سال را در تاریخ ولادت آن حضرت که سال ۳۸ ق است در [صفحه ۲۸۱] نظر بگیریم، امام سجاد (ع) در سال ۶۱ ق یعنی در واقعه‌ی کربلا ۲۳ سال و فرزند آن حضرت یعنی محمدباقر (ع) در آن سال در حدود چهار سال داشته است. پس آن حضرت در واقعه‌ی کربلا جوانی برومند بوده است که می‌توانسته است در رکاب پدر بزرگوار خود بجنگد و مثل دیگران به شهادت برسد. اما آن حضرت بیمار و بستری بوده است و به همین جهت از قتل او چشم پوشیده‌اند. بنابر روایات، ابن‌زیاد در مجلسی که اسیران را پیش او بردند از نام امام پرسید و او فرمود علی بن الحسین، ابن‌زیاد گفت: مگر خداوند علی بن الحسین را نکشت؟ امام فرمود بلی من برادری بزرگتر از خود داشتم [حضرت علی اکبر] که مردم او را کشتند. ابن‌زیاد گفت نه! بلکه خداوند او را کشت و امام در جواب فرمود: الله یتوفی الانفس حین موتها. هنگامی که ابن‌زیاد خاندان امام حسین (ع) را نزد یزید فرستاد زنجیری در گردن امام نهاد و آنها را با شمر بن ذی‌الجوشن و محضر بن ثعلبه عائذی روانه‌ی شام کرد. به روایت طبری، امام در طول راه با هیچ یک از این دو نفر گفتگو نکرد. هنگامی که اهل‌بیت حسین (ع) را پیش یزید بردند او خطاب به علی بن الحسین گفت: ای علی! این پدر تو بود که خویشاوندی را برید و حق مرا نشناخت و برای به دست گرفتن قدرت و سلطنت با من به نزاع برخاست و خداوند با او کرد آنچه می‌بینی. امام در پاسخ این آیه را بر او خواند: ما اصاب من مصیبه فی الارض و لا فی انفسک الا فی کتاب من قبل ان نبرأها (حدید، ۲۲) یعنی مصیبتی در روی زمین و در نفوس به شما نمی‌رسد مگر آنکه پیش از آفرینش نوشته شده باشد (مقدر باشد). هم در مجلس عیدالله زیاد و هم در مجلس یزید که بیم قتل از یک سو و سر بریده‌ی پدرش و اسارت اهل‌بیتش از دگر سو نفس را در سینه حبس [صفحه ۲۸۲] می‌کرد، در شجاعت امام سجاد (ع) همین بس که آن خطبه‌های مشهور و کوبنده را ایراد فرمود و از شرف خود و خانواده دفاع و دشمنان غالب را رسوا نمود و زمینه‌ی انقلابهای بعدی شیعیان را فراهم ساخت. یزید اهل‌بیت را پس از چندی روانه‌ی مدینه کرد و امام (ع) در مدینه بود تا آنکه در سال ۶۳ ق مردم مدینه بر یزید بشوریدند و عامل او عثمان بن محمد بن ابی‌سفیان را از مدینه بیرون کردند و افراد خاندان بنی‌امیه را که در مدینه در حدود هزار نفر بودند محاصره کردند. مروان بن الحکم که پیر و رئیس خاندان بنی‌امیه بود از عبدالله بن عمر خواست که خانواده‌ی او را نزد خود پنهان سازد ولی او سرباز زد. مروان این درخواست را از علی بن الحسین کرد و آن حضرت از غایت جوانمردی آن را پذیرفت و حرم خود را با حرم مروان به ینبع فرستاد. بنابر روایت طبری مروان از این جهت همیشه سپاسگزار علی بن الحسین بود. یزید مسلم بن عقبه‌ی المری را با دوازده هزار تن برای سرکوبی مردم مدینه فرستاد، و گفت که شهر مدینه را سه روز به باد غارت دهد و پس از سه روز دست از جنگ و کشتار باز دارد. اما دستور داد که با علی بن الحسین به خوبی رفتار کند زیرا او در قیام مردم مدینه دخالتی نداشته است. مردم مدینه در واقعه‌ای که در تاریخ به جنگ حره معروف است پس از مقاومت دلیرانه شکست خوردند و مسلم بن عقبه بسیاری از مردم آن شهر را بکشت و سه روز در آن غارت و کشتار کرد و پس از سه روز از مردم برای یزید بیعت گرفت و ایشان را ملک و غلام یزید خواند امام به توصیه‌ی یزید آزاری به امام نرسانید. واقعه‌ی حره به گفته‌ی طبری روز چهارشنبه بیست و هفتم یا بیست و هشتم ذی‌الحجه‌ی سال ۶۳ اتفاق افتاد. درباره‌ی مناسبات آن حضرت با مختار بن ابی‌عبیده‌ی ثقفی روایاتی در [صفحه ۲۸۳] طبقات ابن‌سعد (۵ / ۱۵۸) هست که حاکی از عدم موافقت آن حضرت با اوست. این روایات در صورت صحت ظاهراً به جهت ادعاهای بی‌موردی است که به مختار نسبت می‌دهند. گویا مختار بیشتر به محمد بن الحنفیه متمایل بوده است و او را امام

و مقتدای خود می دانسته است. در سال ۷۸ ق ولید بن عبدالملک، هشام بن اسماعیل مخزومی را از حکومت مدینه معزول کرد و عمر بن عبدالعزیز را به جای او گماشت. هشام بن اسماعیل در طول حکومت چهارساله‌ی خود با امام زین العابدین (ع) رفتار خوبی نداشت. ولید که با هشام بد بود به عمر بن عبدالعزیز نوشت تا او را در برابر مردم بدارد تا هر کس با او در طول حکومتش رنجش و خلافتی داشته است حق خود را از او بخواهد یا از او انتقام بگیرد. امام زین العابدین (ع) به اطرافیان و خواص خود دستور فرمود تا کلمه‌ای به روی او نیاورند. چون امام (ع) از نزد او گذشت و توجهی به او نفرمود، هشام او را ندا زد و گفت: الله اعلم حیث يجعل رسالته (الانعام، ۱۲۴)، یعنی خداوند بهتر می داند که رسالت خود را در کجا قرار دهد و این اشاره به خاندان نبوت و رسالت بود که امام شاخص‌ترین فرد آن بود. امام را ذوالثغفات می گفتند زیرا ثغنه به فتح اول و کسر دوم به معنی پینه‌ی زانو و سینه‌ی شتر است آن حضرت از بس سجده می کرد روی زانوهای و سایر سجده گاههای او پینه می بست به طوری که سالی دو بار آنها را می تراشید. صدوق از امام محمدباقر (ع) روایت کرده است که پدر بزرگوارش سجده بسیار می کرده، هر وقت بلائی از او دفع می شد یا از شر بدخواهی نجات می یافت یا از نماز فارغ می شد یا در اصطلاح بین دو خصم کامیاب می گشت سر به سجده می نهاد. [صفحه ۲۸۴] از مجموع روایات اهل سنت و شیعه درباره‌ی زندگانی امام در مدینه برمی آید که آن حضرت در مدینه موقر و محترم بوده است و همگان به جلالت شأن و علو مقام و حسن خلق و رفتار و علم و فقه و ورع و تقوای آن حضرت اذعان داشته‌اند. معروف است که هشام بن عبدالملک در زمان خلافت پدرش عبدالملک یا برادرش ولید به حج رفته بود. چون در موسم حج خواست تا استلام حجر کند موفق نشد زیرا مردم زیاد بودند و ازدحام می کردند. در این میان علی بن الحسین رسید و به طواف مشغول شد و چون به حجرالاسود نزدیک شد همه به او راه دادند و به جهت مهابت و جلالت قدر او اجازه دادند تا استلام حجر کند. هشام در خشم شد و مردی از او پرسید که این شخص کیست؟ هشام با آنکه او را می شناخت گفت او را نمی شناسد زیرا می ترسید مردم شام به او میل پیدا کنند. فرزندق شاعر بزرگ شیعی مذهب عرب به مرد شامی گفت من او را می شناسم و چون او پرسید که او کیست فرزندق در پاسخ او مرتجلا- قصیده‌ی معروف خود را انشاء کرد و در آن گفت: هذا ابن خیر عباد الله کلهم هذا التقی النقی الطاهر العلم... و لیس قولک من هذا بضائرہ العرب تعرف من انکرت و العجم یعنی: این پسر بهترین بندگان خداست. این پرهیزگار پاک و عاری از هر عیب و معروف خاص و عام است. سخن تو که او را نمی شناسم زیانی به او نمی رساند. آن را که تو گفتی نمی شناسم همه‌ی عرب و عجم می شناسد. امام سجاد (ع) بعد از شهادت پدر بزرگوارش در کربلا (۶۱ ق) به امامت [صفحه ۲۸۵] رسید [۳۴ یا ۳۵ سال امام شیعیان بود (۹۵ یا ۹۶ ق)]. علاوه بر ادله و معجزات او افضل و اعلم و افقه زمان خود بود و در دانش او را تالی جدش علی بن ابیطالب (ع) می دانستند. از همه کریم‌تر و بخشنده‌تر و باوفاتر و بامهابت‌تر و بیش از همه دلسوز فقیران و پناه درماندگان بود. روز عید فطر همه‌ی بندگان خود را آزاد می کرد. با یک ناقه بیست و دو بار حج گزارد و حتی یک تازیانه بر او نزد و دستور فرمود آن شتر را بعد از مرگش دفن کنند. در راه حج چه بسا پیاده می شد و کلوخ جاده را کنار می زد. از بس نماز می گزارد پاهایش ورم می کرد. تواضع و صبرش تا جایی بود که او را راهب اهل بیت لقب دادند. کارهای خود را خود انجام می داد. خادمه‌اش روایت کرده که هیچ وقت نمی گذاشت برای او غذا ببرم یا رختخواب بگسترم. روایاتی هست که به موجب آن امام در تفقد حال فقرا و مسکینان شهر مدینه کوچکترین غفلتی نداشت. بنابر روایتی پس از مرگ او بر پشت مبارکش اثر کیسه‌های خواربار و طعام را که به خانه‌ی بیوه‌زنان در شبها حمل می کرد مشاهده کردند. یونس بن بکیر از محمد بن اسحاق مؤلف سیره‌ی پیامبر (ص) روایت می کند که جماعتی از مردم مدینه نمی دانستند معاششان و زندگیشان از کجا تأمین می شود زیرا کسی شبها معاش آنها را به در خانه‌شان می برد. پس از وفات امام چون کسی چیزی به در خانه‌شان نبرد معلوم شد که آن شخص امام زین العابدین بوده است. بنابر روایت دیگر آن حضرت معاش صد خانه را تأمین می فرمود. شاهد مراتب فضل و فصاحت آن حضرت صحیفه‌ی سجادیه و رساله‌ی الحقوق است. صحیفه‌ی سجادیه یا صحیفه‌ی کامله، مجموعه‌ی دعاها و مناجات آن حضرت است که آن را انجیل آل محمد نیز

گفته‌اند و آن مشتمل بر شصت و یک [صفحه ۲۸۶] دعا می‌باشد و دارای مضامین و نکات عالی است و در مناسبات خاص گفته شده است. این ادعیه در میان شیعه بسیار معروف است و مؤمنان با خواندن آن در مواضع و مناسبات مخصوص تقرب می‌جویند و تیمن و تبرک می‌کنند. این کتاب بارها چاپ شده است و بعضی از علمای شیعه از جمله سید علیخان مدنی و شیخ بهاءالدین عاملی آن را شرح کرده‌اند. شیخ حر عاملی مستدرکی بر آن به عنوان الصیحه الثانیة السجادیة نوشته است. مستدرک دیگر از میرزا عبدالله افندی اصفهانی صاحب ریاض العلماء است که نام آن را «الدرر المنظومة المأثورة» گذاشته است و به «الصحیفه السجادیة الثالثة» معروف است. صحیفه‌ی سجادیه‌ی چهارم را حاج میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ ق) ترتیب داده است که مشتمل بر هفتاد و هفت دعا است. پس از او سید محسن امین مؤلف اعیان الشیعه «الصحیفه السجادیة الخامسة» را ترتیب داده است. به گفته‌ی مؤلف الذریعه این صحیفه مشتمل بر صحیفه‌ی سوم و چهارم با اضافه‌ی پنجاه و دو دعا است. رساله‌ی الحقوق نیز رساله‌ای است در قواعد و اخلاقیات و مشتمل بر پنجاه حق که رعایت آن لازم است. وفات حضرت سجاد (ع) در مدینه در ماه محرم سال ۹۴ یا ۹۵ ق اتفاق افتاد. آن حضرت فرزندان ذکور متعددی داشت که مشهورترین آنها حضرت امام محمدباقر (ع) و زید بن علی هستند. نسل امام حسین (ع) از امام زین العابدین (ع) است و فرزندان امام زین العابدین (ع) که دارای اولاد بوده‌اند امام محمدباقر (ع) و زید شهید و عبدالله باهر و عمرالاشرف و حسین اصغر و علی اصغر بوده‌اند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

